

از خر شیطان پیاده شو

بعضی از بچه ها خیلی لجبازند. اگر مادرشان از آن ها بخواهد که لباس مدرسه ی خود را سر جایش بگذارند، لج می کنند و لباسشان را وسط اتاق می اندازند.



بعضی از بچه ها خیلی لجبازند. اگر مادرشان از آن ها بخواهد که لباس مدرسه ی خود را سر جایش بگذارند، لج می کنند و لباسشان را وسط اتاق می اندازند.

اگر پدرشان از آن ها بخواهد که صدای تلویزیون را مقداری کم کنند، لج می کنند و به حرف پدرشان گوش نمی دهند. اگر برادر یا خواهرشان از آن ها بخواهد که کمی آهسته تر توپ بازی کنند، ناراحت می شوند و محکم تر از قبل، توپ را به دیوار می کوبند. این جور بچه ها، حتماً گول شیطان را خورده اند؛ و گرنه این کارها را نمی کردند.

شیطان همیشه می خواهد ما آدم ها را فریب بدهد تا لجبازی کنیم. خود شیطان هم به خاطر لجبازی اش بود که به دشمنی با خدا پرداخت. شیطان اول در میان فرشته ها زندگی می کرد. او هزاران سال عبادت خدا کرده بود.

اما وقتی خدا حضرت آدم را آفرید، شیطان به حضرت آدم حسودی کرد و از آن به بعد، دشمن خدا شد. او فکر می کرد از حضرت آدم بهتر است و دلیلی ندارد که به حضرت آدم احترام بگذارد. وقتی خدا از شیطان خواست که به آدم احترام بگذارد، شیطان لجبازی کرد و به حرف خدا گوش نداد. خدا هم او را از میان فرشته ها بیرون انداخت.

کسی که لجبازی می کند، باید بداند که او هم مثل شیطان شده است. انگار که سوار خر شیطان شده و کارهای شیطان را تکرار می کند. برای همین هم وقتی کسی لجبازی می کند، مردم به او می گویند: «#171از خر شیطان پیاده شو»؛